پیاده‌روی اربعین حسینی در سیره و سخن بزرگان

عبدالرحیم اباذری

چکیده

مراسم پیاده‌روی کربلا در روز اربعین، از دیرباز در میان شیعیان و دوستداران اهل‌بیت علیهم‌السلام اهمیت بسزایی داشته و علما و مراجع نیز همگام با مردم عراق و دیگر سرزمین‌های اسلامی در این مراسم معنوی شرکت می‌کنند. این پیاده‌روی از مسیرهای گوناگون انجام می‌شود که شلوغ‌ترین مسیر، راه سه‌روزهٔ نجف به کربلاست.

در طول تاریخ، علمای شیعه در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی به این پیاده‌روی و زیارت اربعین، نقش اساسی داشته‌اند و ضمن ارائهٔ رهنمود، خود نیز در این مراسم شرکت کرده‌اند. علمایی چون آیات عظام ملکی تبریزی، بهجت، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سیستانی، وحید خراسانی و جوادی آملی با ذکر اهمیت برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مراسم، به شرکت شیعیان در آن سفارش کرده‌اند؛ به‌طوری‌که از گذشته تاکنون، علمای بزرگ شیعه نیز در کنار مردم در مراسم پیاده‌روی و زیارت اربعین شرکت می‌کنند.

در طول مسیر، عشایر حاشیه‌نشین رود فرات با اشتیاق و اخلاص از زائران امام حسین علیه‌السلام پذیرایی می‌کنند.

واژگان کلیدی: *اربعین، کربلا، پیاده‌روی، علمای شیعه، زیارت.*

حضور پرشور طلاب جوان، روحانیون، عالمان بزرگ و استادان برجسته، حتی مراجع تقلید حوزه علمیه نجف در مراسم پیاده‌روی اربعین، جلوه‌ای ویژه به این مراسم بزرگ بخشیده است. البته این مراسم اختصاص به روز اربعین ندارد و معمولاً به مناسبت اول و نیمه رجب، نیمه شعبان و روز عرفه (که روز زیارت مخصوص امام حسین علیه‌السلام است) نیز انجام می‌شود. اما در ایام اربعین، از شکوه و عظمت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این مراسم همچنین اختصاص به شهر نجف ندارد؛ بلکه از شهرهای دیگر، مانند بصره، ناصریه، سماوه، بغداد، حله و اخیرا از کشور های دیگر مانند ایران، لبنان، پاکستان و هندوستان نیز به کربلا می‌آیند.

مراسم پیاده‌روی، معمولاً به صورت فردی، خانوادگی، گروهی و یا به صورت هیئت‌های عزاداری برگزار می‌شود. مسیر نجف به کربلا، دو راه اصلی دارد: یک راه مستقیم که پیشتر ازبیابان‌های خشک این منطقه عبور می‌کند و امروزه در حاشیه جاده قرار دارد و مسافت آن، حدود هفتاد کیلومتر است؛ راه دیگر، از کنار رود فرات می‌گذرد و نزدیک به صد کیلومتر می‌باشد و زائران حسینی، معمولاً از این مسیر حرکت می‌کنند و در مدت سه روز، آن را می‌پیمایند. بعضی نیز با سرعت بیشتر و توقف کمتر، این مسیر را در مدت دو روز می‌پیمایند و خود را به حرم حسینی می‌رسانند. برخی نیز از سر عشق و ارادت به اباعبدالله علیه‌السلام با پا و سر برهنه، این مسیر را طی می‌کنند.

علمای شیعه در هدایت و ترغیب شیفتگان حسینی به انجام زیارت امام به‌ویژه در اربعین، نقش محوری داشته‌اند و ضمن ارائه رهنمود، خود نیز به این مهم مبادرت می‌ورزیدند.

رهنمودهای علمای شیعه

آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، با اســتناد به حدیث علامت‌های پنج‌گانه مؤمن می‌فرمودند:

بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشــد که امام شهید را در مــزار حضرتش زیارت کند؛ هرچنــد تنها یک بار در تمام عمرش باشد.[1]

آیت‌الله العظمی بهجت فومنی، پیاده‌روی اربعین را بهترین فرصت برای معرفی امام حســین علیه‌السلام به جهانیان دانسته، بر این نکته تأکید می‌کردند که:

الان هنوز همه مردم عالم، حسین علیه‌السلام را نمی‌شناسند و این تقصیر ماســت؛ چون ما برای سیدالشهدا علیه‌السلام طوری فریاد نزدیم که همه عالم صدای ما را بشنود.[2]

آیــت‌الله العظمی ناصر مکارم شــیرازی نیز بــر بُعد تبلیغی زیارت اربعین اشــاره نموده، پیاده‌روی این موسم را با احترام به امام حسین علیه‌السلام پیوند می‌زند و تأکید دارد که:

پیاده رفتن، یک نوع اظهار عظمت و تجلیل از مقام شامخ اباعبدالله علیه‌السلام اســت؛ لذا این پیاده‌رویِ اربعین خیلی در دنیا صدا می‌کند و تبلیغ خوبی برای عالم تشــیّع و عالم اسلام است؛ یکی از مبلّغ‌های بسیار خوب است.

در نــگاه آیــت‌الله العظمی شــبیری زنجانی پیاده ســفر کــردن به کربــلا موضوعیــت دارد و آن را یــک نوع ادای احترام و خضوع و خشــوع دانسته و از مصادیق تعظیم شعائر می‌شمارد:

امام حســن و امام حســین علیهماالسلام پیاده به مکه می‌رفتند و این خود، یک نوع احترام اســت. حتــی در روایتی در کتاب بحارالانوار در معجزات امام حسن علیه‌السلام اشاره شده که آن

آیــت‌الله میرزا جــواد آقا ملکی تبریــزی، با اســتناد بــه حدیث علامت‌هــای پنج‌گانــه مؤمــن می‌فرمودند: بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را بــرای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشــد که امام شــهید را در مزار حضرتــش زیارت کند؛ هرچنــد تنهــا یک بــار در تمام عمرش باشد.

در نگاه آیت‌الله العظمی شبیری زنجانــی پیاده ســفر کــردن به کربــلا موضوعیــت دارد و آن را یــک نوع ادای احتــرام و خضوع و خشــوع دانســته و از مصادیق تعظیم شعائر می‌شمارد.

حضرت در بازگشــت از مکه به مدینه، با پای پیاده حرکت می کردند تا بدان‌جا که پاهای ایشــان ورم می کرد ... با این که وسایل عبور و مرور بوده و حضرات هم به آن دسترســی داشــتند ... در روایتی معتبر در کتاب کافی، ابن‌بکیر از امام صادق علیه‌السلام درباره بیســت ســفر پیاده حج امام حســن مجتبی علیه‌السلام سؤال می کند و حضرت در پاســخ اشاره می‌فرمایند که حضرت با پای پیاده به حج می‌رفتند در حالی که محمل‌ها و کجاوه‌ها همراه حضرت حرکت می کردند.[۳]

آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی که نقش محوری در تعظیم شعائر حسینی عراق معاصر ایفا می‌نماید، معتقد است:

خداوند مؤمنان را از آن رو به زیارت مشــاهد متبرکه ایشان تشویق نموده است که یادشــان جاودانه بماند و جایگاهشان اعتلا یابد، و چون آن بزرگواران نمونه اعلای بندگی خدای ســبحان و جهاد در راه او و فداکاری برای دین استوارش بوده‌اند، این امر ســبب به یاد آوردن خدای متعــال و آموزه‌ها و احکام او برای مردم باشد.

ایشــان بر ارتقای باور و رفتار شــیفتگان حسینی نیز تأکید دارند و توصیه مهم‌شان به زائران اربعین حسینی این است:

از لــوازم این زیارت آن اســت که زائر علاوه بر یادآوری جان‌فشــانی‌های امام حســین علیه‌السلام در راه خداونــد متعال، تعالیم دیــن حنیف از جمله نمــاز، حجاب، اصلاح، گذشــت، بردباری و ادب و قوانین آمدوشــد و دیگر مفاهیم پســندیده را رعایت نماید تا زیارتش گامی در مســیر تربیت نفس برای پذیرش این امور و تثبیت آثار آن تا زیارت‌های بعدی باشد. چنین است که شرکت در این مراسم به منزله حضور در مجالس تعلیم و تربیت امام علیه‌السلام خواهد شــد. پس بر زائران است که در مســیر خویش، ذکر خدای متعال را بسیار بگویند و در هر گام و هر عمل خود اخلاص را در نظر داشــته باشــند و بدانند که خداونــد متعال نعمتی همتای اخلاصِ در عقیده و گفتار و رفتار را به کســی عنایت نفرموده است و عمل تهی از اخلاص، با پایان زندگی دنیوی تمام می‌شود؛ در حالی که عمل مخلصانه، هم در ایــن دنیا و هم پس از آن، جاودان و مبــارک خواهد ماند. خدا را خدا را در رعایت پوشش و حجاب! که از مهم‌ترین چیزهایی است که اهل‌بیت علیهم‌السلام حتی در سخت‌ترین شرایط کربلا به آن توجه داشته و خود والاترین الگوی آن بوده‌اند.

ایشـان به اندازه آزاری که از هتک حرمت خود دیدند، از هیچ رفتار دشـمن آزرده نشـدند. لذا بر همه زائران و به‌ویژه بر بانوان زائر فرض اسـت که شـرایط عفاف را در رفتار و نوع پوشش و ظاهر خود حفظ نموده و از هر چه این امر را خدشـه‌دار می‌کند (مانند پوشیدن لباس‌های تنگ و اختلاط‌های زشت و استفاده از زیورآلات ناروا) بپرهیزند؛ بلکه سـزاوار است که به منظور منزّه نگه داشتن این مراسم مقدّس از شـائبه‌های ناپسند، تا حد امکان، بالاترین مراتب عفاف را رعایت نمایند.[۴]

آیـت‌الله العظمی وحید خراسـانی، انجام زیـارت به نیابت معصومان علیهم‌السلام را به زائران توصیه می‌نمایند:

سـزاور اسـت کسـانی که از ایران مشرف می‌شـوند، به نیابت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بروند، و کسانی که از بلاد دیگر به آن حرم شـرفیاب می‌شـوند، به نیابت سـایر معصومین علیهم‌السلام مشرف شوند، و در این سفر پربرکت چون نائـب آن مقام رفیع هسـتند، نظـر عنایت حضرت سیدالشـهدا علیه‌السلام بـه آن نائبان بـه رعایـت منوب‌عنه آنان موجب سعادت دنیا و عقبی است.[۵]

آیت‌الله جوادی آملی معتقد اسـت اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیسـت که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیـف نمازهای واجب و مسـتحب قرار گرفته اسـت. بنابراین همان‌گونه که نماز، سـتون دین و شـریعت اسـت، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است، امّا مهم آن اسـت که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسـان را چگونه متدین می‌کند.[۶]

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیسـت که از نشـانه‌های ایمان اسـت؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است.

حضور پرشور علما و مراجع

علاقه واشتیاق به این مراسم معنوی در میان مراجع تقلید، استادان، طلاب و روحانیون حوزه علمیه نجف، از شــور و حال بیشــتری برخوردار است و اکثر اســتادان و حتی مراجع تقلید، از گذشــته تاکنون در مراســم پیاده‌روی و زیارت اربعین شــرکت می‌کنند. مرحوم محدث نوری (۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۰ق) مؤلف کتاب «مســتدرک الوسایل»، مرحوم سید محسن امین عاملی (م ۱۳۳۱ق) مؤلف کتاب «اعیان الشــیعه»، شــیخ محمدحسین غروی اصفهانی (م ۱۳۲۱ق) و میرزای نائینی (م ۱۳۱۵ق) از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کرده‌اند.[۷]

مراســم پیاده‌روی در عصر مرجعیت شــیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ـ ۱۲۹۸ق) نیز با شکوه تمام رواج داشــت و پس از وی، کم‌کم به فراموشــی ســپرده شــد و عملی کم‌ارزش تلقی گردید؛ به طوری که به طبقه فقرا و نیازمندان اختصاص یافت؛ اما بعدها محدث نامدار، میرزا حســین نوری، این مراسم را در میان مردم رونق بخشید. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بوده، می‌نویسد:

> اســتاد ما چون وضع را بدین منوال دید، به این شــیوه خداپســندانه (پیاده‌روی) همت گماشت و به آن ملتزم گشت و در عید اضحی برای حمل اثاث و بار سفر، حیوان کرایه می‌کرد؛ ولی خود و یارانش پیاده راه می‌رفتند و او به دلیل ضعف مزاج، نمی‌توانست مسافت بین نجف ـ کربلا را با گذراندن یک شب طی کند؛ همان‌طور که رســم چنین بود. بنابراین، سه شب در راه بودند و بر اثر این اقدام، در ســال‌های بعد، رغبت مردم و صالحان به این موضوع بیشتر شد و دیگر عار محســوب نمی‌شــد؛ به طوری که در برخی ســال‌ها، تعداد چادرها و خیمه‌های راه‌پیمایان، به سی عدد می‌رسید و هر چادر به بیست تا سی نفر تعلق داشت و به این ترتیب، این سنت حسنه، دوباره مرسوم شد و رونق گرفت.[۸]

صاحب «اعیان الشیعه» در این باره می‌نویسد:

> به مدت ده سال و نیم که در نجف بودم، زیارت‌های مخصوص عاشورا، عید قربان و غدیر و عرفه و اربعین را همواره انجام می‌دادم؛ مگر اندکی. پیش از ســفر، نزد طلبکاران در بازار می‌رفتم و از آنها حلالیت می‌طلبیدم و به پیاده‌روی در زیارت، علاقه داشــتم. نخست برایم سخت بود و بعد با تجربه دریافتم که آسان است. در این سفر، جمعی از طلاب جبل‌عامل و نجف و دیگران به من ملحق می‌شدند و از من پیروی می‌کردند. من بارها پیاده به زیارت کربلا و امام حسین علیه‌السلام رفتم.[۹]

مرحوم آیت‌الله ملکوتی یکی از مراجع و اســتادان برجسته حوزه نجف و قم می‌گوید:

من نیز چند بار توفیق یافتم که در این مراســم بســیار معنوی، شرکت کنم و اغلب به همراه شاگردان مشرف می‌شدم. مسیر بین نجف و کربلا که حدود دوازده فرســخ است، معمولاً در مدت دو یا سه روز طی می‌شد. بعضی‌ها مثل آقای شیخ هادی زابلی که پیش من درس می‌خواند، سلیقه خاصی داشت و این مســافت را یک روزه می‌رفت و یک روزه هم برمی‌گشت و بعضی‌ها نیز پس از پایان مراسم، از کربلا به کاظمین و سامراء مشرف می‌شدند و بعضی هم مستقیم به نجف بازمی‌گشتند.[10]

حجت‌الاسلام محتشمی در این باره می‌نویسد:

از نجــف، غیر از مردم عادی و معمولی، علما، فضلا و طلاب و حتی برخی از مراجع مثل آیت‌الله شاهرودی و دیگران (تا زمانی که توان پیاده‌روی داشــتند) نیز دسته دسته و گروه گروه، عازم کربلا می‌شدند. حوزه نجف دارای چند قافله رسمی معروف و بــزرگ بود. در این قافله‌ها، حدود چهل تا پنجاه نفر عضو ثابت بودند و تعدادی هم در هر مرتبه به آنان اضافه می‌شدند. برخی از کاروان‌ها مخصوص و مربوط به بیوت مراجع یا مدارس نجف بود؛ مثل کاروان بیت آیت‌الله شاهرودی یا کاروان مدرسه قزوینی‌ها که در چنین کاروان‌هایی معمولاً فرد غریبه وجود نداشت؛ ولی یکی دو قافله معتبر بودند که طلاب علاقه‌مند، اغلب با آنها سفر می‌کردند: یکی قافله منسوب به شهید محراب، حضرت آیت‌الله مدنی﵀ که بــا توجه به روحیات عارفانه و خصوصیات اخلاقی وی، بســیاری از طلاب وارســته ســعی می‌کردند در محضر او باشند، و دیگری قافله آقای شیخ محمدعلی حلیمی کاشانی که از مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی﵀ حرکت می‌کرد و مرحوم آیت‌الله شــهید حاج آقا مصطفی خمینی﵀ با این قافله به کربلا مشرف می‌شد. آقای حلیمی از علاقه‌مندان فداییان اسلام، شهید نواب و حضرت امام بود.

مرحــوم محدث نــوری (۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۰ق) مؤلــف کتــاب «مســتدرک الوســایل»، مرحوم ســید محســن امین عاملــی (م ۱۳۳۱ق) مؤلف کتــاب «اعیان الشــیعه»، شــیخ محمدحســین غروی اصفهانــی (م ۱۳۲۱ق) و میــرزای نائینــی (م ۱۳۱۵ق) از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کرده‌اند.

در میــان مراجع تقلیــد، حضور آیــت‌الله العظمی ســید محمود شــاهرودی، زبانــزد همگان بود. معــروف اســت کــه وی در این مراســم، نخســت با پای پیاده از نجف خارج می‌شــد و به ســوی کربلا حرکت می‌کرد و ســپس ســایر آقایان، اســتادان و طلاب هم به دنبال وی به راه می‌افتادند و وقتــی مراســم زیــارت تمــام می‌شــد، بیشــتر زائران از کربلا ســوار وسیله نقلیه می‌شدند و به نجف بازمی‌گشــتند؛ اما آیت‌الله شاهرودی در بازگشت هم پیاده به نجف بازمی‌گشت.

فاصلــه بین نجف و کربلا از راه اصلی و آســفالت، حدود هشــتاد کیلومتر و از جاده فرعی و کنار شــط فرات و مسیر نخلستان، متجاوز از یکصد کیلومتر است و معمــولاً کاروان‌های نجف اشــرف، مســیر فرعی و راه کنــار آب را انتخاب می‌کردند. من به جز دو ســه مرتبه که به صورت شــخصی ســفر کردم، در بقیه اوقــات همــراه کاروان آقای حلیمی به کربلا می‌رفتم. حرکت و ســیر انفرادی یا همــراه با کاروان، هر کدام ویژگی خــود را دارد. خوبی حرکت با کاروان، خدمــات جنبی بود که از حیث آذوقه و خوراک و حمل بار انجام می‌شــد؛ امّا کسانی که به صورت فردی حرکت می‌کردند، مجبور بودند راحله و توشه سفر را همراه خود بردارند و در هوای گرم و ســوزان عراق، راه رفتن با کوله‌پشــتی و بار بســیار دشــوار بود؛ ولی کاروان‌ها معمولاً اسب، گاری یا وانت‌بار بزرگی اجاره می‌کردند و بار و اثاث کاروان را به وسیله آن منتقل می‌کردند و اگر هم کســی در وســط راه از راه رفتن بازمی‌ماند، با همین وسیله نقلیه، به محل توقف بعدی برده می‌شــد. این کاروان‌ها به صــورت دو مرحله‌ای حرکت می‌کردند. مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی قدس‌سره با آقای اشکوری و آقای سید محمد بجنوردی و برخی از افراد مسن معمولاً در «چفل»۱۱ ملحق می‌شدند.[۱۲]

نمونه‌هایی از کاروان‌های پیاده‌روی علما

۱. کاروان بیت آیت‌الله شاهرودی

در میان مراجع تقلید، حضور آیت‌الله العظمی ســید محمود شاهرودی، زبانزد همگان بود. معروف اســت که وی در این مراسم، نخســت با پای پیاده از نجف خارج می‌شد و به سوی کربلا حرکت می‌کرد و سپس سایر آقایان، استادان و طلاب هم به دنبال وی به راه می‌افتادند و وقتی مراســم زیارت تمام می‌شــد، بیشــتر زائران از کربلا سوار وســیله نقلیه می‌شدند و به نجف بازمی‌گشــتند؛ اما آیت‌الله شــاهرودی در بازگشــت هم پیاده به نجف بازمی‌گشت.[۱۳] معروف اســت که این مرجع بزرگ، چهل ســفر با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه‌السلام مشرف شده است.

۲. کاروان شهید آیت‌الله مدنی رحمه‌الله

شــهید محراب آیت‌الله سید اســدالله مدنی، از استادان سرشــناس حوزه نجف، یکی دیگر

از عاشــقان همیشــگی مراســم پیاده‌روی نجف ـ کربلا و زیارت حرم اباعبدالله الحســین علیه‌السلام و یارانــش، به‌خصوص در روز اربعین بود. عالمان و اســتادان حــوزه علمیه نجف، خاطرات خوشی از این شــهید بزرگ، در این مراسم باشکوه معنوی دارند. حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از همراهان وی در یکی از این سفرها می‌گوید:

یک ســال که ماه ذی‌حجه مصادف با زمســتان بسیار ســردی بود، همراه شهید آیــت‌الله مدنــی از نجف عازم کربلا شــدیم تــا در روز عرفه، بــه زیارت امام حسین علیه‌السلام مشرف شویم. در این سفر مرحوم شیخ علی حجتی کرمانی و مرحوم شــیخ احمد کافی نیز آقای مدنی را همراهی می‌کردند. ما چند فرسخی رفتیم تا این‌که به یکی از روســتاهای عشایرنشین رسیدیم. سپس شخص عربی جلو آمد و از آیت‌الله مدنی اســتقبال کرد و به او احترام گذاشــت و وی و همراهان را به مضیف خود دعوت کرد؛ چون همه به‌ویژه سران و شیوخ عشایر، او را به خوبی می‌شــناختند و احترام زیادی برایش قائل بودند. ما شــب را همان جا استراحت کردیــم و فردا صبح به راه خــود ادامه دادیم؛ تا این‌که به شــهر طویرج در ۲۰ کیلومتری اطراف کربلا رسیدیم.

در طول مســیر، هر جا که برای اســتراحت توقــف می‌کردیم، آقای مدنی چند حدیــث می‌خواند و نکاتی اخلاقی می‌گفــت و گاهی یک بحث علمی مطرح می‌کرد. در طویرج، او وضع روحی عجیبی داشــت و شــروع به صحبت کرد. نخســت در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام ســخنی گفت و حرم امام را به کعبه آمــال و آرزوها تشــبیه کرد و بعد فرمــود: از این‌جا تا حرم را خوب اســت به صورت پابرهنه و هروله کنان ادامه بدهیم. با این‌که او درد پا و کســالت داشت، اما خودش جلو افتاد و آیه ﴿إنّ الصّفا والمروة من شعائر الله﴾[۱۴] را که در مراسم حج میان سعی و صفا خوانده می‌شود، هروله‌کنان می‌خواند و جلو می‌رفت و ما نیز به دنبالش جواب می‌دادیم. وقتی وارد شهر کربلا شدیم، شهید مدنی فرمود: باید با همین حال خســته و پای آبله‌زده به حرم مشرف شویم و باز خودش جلو افتاد و با حالت گریه و فریاد «یا حسین»، حرکت کرد و ما نیز به دنبالش حرکت می‌کردیم و با همین حال، وارد حرم حســینی شدیم. در این حال مراسم زیارت را مرحوم کافی بر عهده گرفت و با اشــعار و نوحه‌خوانی جان‌گذار، همه را به فیض رساند.[۱۵]

۳. پیاده‌روی حاج آقا مصطفی خمینی رحمه‌الله

آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی نیز از عالمان و استادان نجف بود که همواره در مراسم پیاده‌روی حضوری پیوسته و جدی داشت. او مقیّد بود که در تمام ایام زیارت‌های مخصوص امام حسین علیه‌السلام (اول و نیمه رجب، نیمه شعبان، عرفه و به‌خصوص اربعین) پیاده از نجف به کربلا برود و در میان راه، گاهی کف پایش تاول می‌زد و زخمی می‌شد؛ ولی باز هم با شور و شوق تمام، به راه خود ادامه می‌داد و اصرار دوستان را برای سوار شدن به وسیله نقلیه، حتی در قسمتی از راه نمی‌پذیرفت و چون به نزدیک کربلا می‌رسید و نگاهش به گنبد و گل‌دسته‌های حرم امام حسین علیه‌السلام و پرچم سرخ رنگ آن می‌افتاد، بی‌اختیار اشک از چشمانش سرازیر می‌شد و مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام را زمزمه می‌کرد و به سر و سینه می‌زد و عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کرد.[۱۶]

وی در این سفر، بدون توجه به این‌که فرزند مرجع بزرگ تقلید، امام خمینی رحمه‌الله است، مانند یک طلبه ساده در خدمت همسفران بود و از کمک به آنان دریغ نمی‌کرد و در هنگام توقف و استراحت نیز به بحث علمی می‌پرداخت. مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن قدیری که در یکی از سفرها همراه او بود، می‌گوید:

> یک بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج آقا مصطفی خمینی بودم؛ وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آن‌جا ماندیم. دوستان همه دور حاج آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک رشته از علوم حوزوی سؤالی بپرسد و وی جواب بدهد. سؤالات بسیاری از فقه، اصول،

یک بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج آقا مصطفی خمینی بودم؛ وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آن‌جا ماندیم. دوستان همه دور حاج آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک رشته از علوم حوزوی سؤالی بپرسد و وی جواب بدهد.

فلسـفه، تفسیر، عرفان و اخلاق از وی پرسیده شد که حدود چهار ساعت به طول انجامیـد و حاج آقا مصطفی بدون این که مطالعه و مراجعه به کتابی کند، همه را کامل جواب داد که من بسیار متعجب شدم که او این قدر بااستعداد است.[۱۷]

آقای محتشمی می‌گوید:

در اوقات صبح، ظهر و شـام، نماز به امامت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی﵀ اقامه می‌شـد و شب‌هنگام، پس از نماز مغرب و عشـاء، دعای توسل و زیارت عاشورا خوانده می‌شد. اگر شب جمعه در راه بودیم، دعای کمیل و ذکر مصیبت توسط دوستان انجام می‌گرفت. از خصوصیات مرحوم حاج آقا مصطفی این بود که هر شب، قبل از اذان صبح برمی‌خواست و به نماز شب می‌پرداخت. او بسیار خوش‌مشـرب و خوش‌مسـافرت بود و در سفرها با همراهان دوست و رفیق بود و همواره سـعی می‌کرد به کسی سخت نگذرد و مواظب بود کسی عقب نیافتد و جا نماند. در جلسـات گفت‌وشنودی که اغلب شب‌ها رفقای همسفر دور هم جمع می‌شـدند، از هر دری سـخنی به میان می‌آمد و حاج آقا مصطفی، پیوسته متذکـر بود و زیر لـب اذکاری را زمزمه می‌کرد. در تابسـتان‌ها به علت گرمی طاقت‌فرسای هوا، بعد از اذان صبح حرکت می‌کردیم و تا دو سه ساعت بعد از طلوع آفتاب، راه می‌رفتیم؛ سـپس در محلی توقف می‌کردیم و صبحانه و نهار در همان جا صرف می‌شد و عصر که مقداری از گرمای هوا کاسته می‌شد، باز حرکت از سر گرفته می‌شد.[۱۸]

مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید تقی درچه‌ای نیز می‌گوید:

چندیـن بار همـراه آیت‌الله حاج آقا مصطفـی خمینی از نجف پیاده به سـوی کربلا رفتیم و گاهی سـه تا چهار روز، حدود ۲۰ فرسـخ در راه بودیم. ما مسیر را از خیابـان بـا وجود کوتاهی راه، بـه دلیل آفتابی بودن، تغییـر داده، از کنار دجله و فرات و داخل نخلسـتان‌ها که واقعاً باصفا بود، می‌رفتیم. در این سـفرها دوسـتانی چون آقایان اسلامی، علیان، احسـانی، کیانی، حلیمی کاشانی، آقای مجتبـی قائمی، آقای حاج آقا نصرالله شـاه‌آبادی و آقـای رضوانی که در حال حاضر امام جماعت مسـجد حاج سـید عزیزالله هسـتند، همراه بودند. حاج آقا مصطفـی با پـای برهنه و حتی بدون جـوراب، حرکت می‌کـرد و از هر کس مختصر صدایی داشت، می‌خواست اشعاری را در مقام و عظمت امام حسین﵇

بخواند و با شـنیدن این اشعار، خودش طوری منقلب می‌شد که از شدت گریه، شـانه‌هایش بالا و پایین می‌رفت. حاج آقا مصطفی خمینی همیشـه دیوان شیخ محمدحسـین غروی اصفهانی را همراه داشـت و وقتی کنـار دجله و فرات که دیگر نزدیک کربلا بود می‌رسیدیم، او به اسم کوچک مرا صدا می‌زد تا قسمتی از آن را بخوانم و به محض شروع، مثل کسی که بغضش بترکد، شروع به گریه می‌کـرد. در طی چند کیلومتر من زمزمه می‌کردم و جمع دوسـتان به‌خصوص حـاج آقا مصطفی گریه می‌کردند. ناگهان یکی از دوسـتان چشـمش به گنبد مطهر حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌افتاد و به دنبال آن، موج شوق و گریه در میان جمع بلند می‌شد.

حالت عجیبی داشـتیم. پاهای برهنه و تاول‌زده و خون‌آلود، خسـته و تشنه، زیر برق آفتاب سـوزان و پرچمی سـرخ به رنگ خون، ما را به حال و هوای کربلا و ظهر عاشـورا می‌برد. شـدت گریه‌ها به حدی بالا می‌رفت که همگی نشسـته و دیگر نمی‌توانسـتیم به راه خـود ادامه دهیم. جالب بود که مردم روسـتاها و شهرهای مسـیر، به‌ویژه روستای چفل، همه حاج آقا مصطفی خمینی را شناخته بودنـد که فرزند آقای خمینی رحمه‌الله اسـت. یک بار قبـل از ورود به چفل، متوجه شـدیم که حدود ۲۰ نفر به سـمت ما در حرکتند. کمی که نزدیک‌تر شـدیم، فهمیدیـم که آنها برای اسـتقبال از حاج آقا مصطفی آمده‌اند. اسـتقبال عده‌ای از شـیوخ و بزرگان آن شـهر برای من جالب بود. استقبال کنندگان همه دست حاج آقا مصطفی را بوسـیده، با بقیه هم احوال‌پرسـی کردند و پشـت سر حاج آقـا مصطفـی راه افتادند. او در جلو و ما هم به دنبال او با اسـتقبال خاصی وارد حسـینیه چفل شـدیم و از ما پذیرایی کردند. با وجود این‌که حاج آقا مصطفی گفت قصد نداریم شـب را در چفل بمانیم، ولی آنها با اصرار گفتند: باید شب را در چفل بمانید تا ما اجر خدمت کردن به زائرین مرقد امام حسین علیه‌السلام را ببریم و در مقابل اصرار صمیمانه و عاشقانه سالکان آن حرم باصفا، کوتاه آمده، شب را در چفل ماندیم.

در همان حسـینیه جمعیت زیادی از اهالی به زیارت حاج آقا مصطفی آمدند و در بیـن آنان یکی از منبری‌های معروف عراق که آن شـب در چفل بود، یک منبـر بسـیار عالی رفت و بعد از او هم سـیدی یک منبر عربـی رفت و خلاصه

شـوری به پا شـد. فردای آن روز صبحانه خورده، خیلـی زود حرکت کردیم. مشایعت اهالی چفل، دیدنی‌تر از استقبالشان بود و از چفل به دنبال ما راه افتادند و مقدار زیادی از راه، ما را همراهی کردند.[19]

۴. حضور علامه امینی

یکی دیگر از شـخصیت‌های برجسـته حوزه علمیه نجف که به طور مرتب، در این مراسم شـرکت می‌کرد، علامه امینی مؤلف کتاب ارزشمند «الغدیر» بود که در این سفرها، همواره تعـدادی از مؤمنیـن او را همراهی می‌کردند. علامه امینی وقتی به نزدیکی کربلا می‌رسـید، حالش منقلب می‌شد و قطرات اشک از چشمانش جاری می‌شد.[20]

۵. حضور امام موسی صدر

امام موسـی صدر، رهبر شـیعیان لبنان که در شهریور ۱۳۵۷ توسـط عوامل صهیونیست‌ها ربوده و ناپدید شد، یکی از شیفتگان مراسم پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی، یکی از عالمان بزرگ اصفهان که در نجف با امام موسی صدر هم‌بحث بود، می‌گوید:

وقتی که امام موسـی صدر همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سـفر، حضوری عاشـقانه داشـت و در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه باحال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شد و وقتی نوبت ذکر مصیبت و خواندن اشـعار و نوحه‌سـرایی به او می‌رسید، با حال جان‌کاهی در مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام اشـعار فارسـی و عربی فصیحی می‌خواند و هنگام کار و حمـل اثاثیه سـفر، وی بیش از همـه کار می‌کرد و هنگام شـوخی و مزاح، مزاح‌هایی بیان می‌کرد که بعد علمی و اخلاقی جالبی داشت.[21]

استقبال و پذیرایی عشایر از علما

در مراسـم پیاده‌روی اربعین، صحنه‌های دیگری نیز شـکل می‌گرفت که چشـم و دل هر بیننده‌ای را به حیرت و شـگفتی وامی‌دارد. در این مسیر روستاهای بسیاری به چشم می‌خورد که بیشـتر سـاکنان آنها را عشـایر و پیروان مذهب شیعه تشـکیل می‌دهند و آنان با شوق و علاقه و اخلاص، از زائران امام حسـین علیه‌السلام استقبال و از آنان پذیرایی می‌کنند. این عشایر در کنار رود فرات، به کاشـت و برداشـت برنج و دامداری مشغولند و معمولاً از همین دسترنج

خود، زائران حسینی را اطعام می‌دهند. آنان اعتقاد عجیبی به میهمانان دارند و گاهی دیده شده که گرد خاک پای زائران را به تبرّک می‌برند. عشایر حاشیه‌نشین رود فرات، در ایام مراسم پیاده‌روی، چادرهای بزرگی که به آنها «مضیف» می‌گویند، با فاصله‌های معیّنی در این مسیر برپا می‌کنند و زائران را برای پذیرایی و استراحت، در آنها جای می‌دهند.

آیت‌الله مکارم شیرازی که در یکی از این پیاده‌روی‌ها حضور داشته، با اشاره به خاطره پیاده‌روی از نجف به سوی کربلا، در مورد پذیرایی مردم از زوار چنین نقل می‌کنند:

> وقتی به یکی از این مُضیف‌ها رسیدیم، صاحب مضیف دعوت و اصرار کرد که مهمان او بشویم و آن‌جا استراحت کنیم. به او توضیح دادیم که چون امروز کم راه رفته‌ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم. پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مضیف که معلوم بود چند وقتی است مهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را درآورد و تهدید کرد که من مدتی است مهمان برایم نیامده و شما حتماً باید مهمان ما بشوید! این‌قدر مهمانی کردن زائر امام حسین علیه‌السلام در نزد اینها اهمیت و ارزش داشت ... البته بالاخره بعد از این که توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد که برویم.[۲۲]

مرحوم آیت‌الله ملکوتی که خود بارها در این پیاده‌روی حضور داشته، در این‌باره می‌گوید:

> این عشایر از نظر اقتصادی چندان وضع مطلوبی نداشتند و کنار فرات، هر کدام مقدار اندکی برنج‌کاری می‌کردند و غذاهای‌شان هم اغلب برنج و ماست بود و خورش دیگری

وقتی که امام موسی صدر همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می‌رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت و در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه باحال‌تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می‌شد.

نداشــتند و با این همه، نسبت به زائران حسینی و طلاب، بسیار سخاوتمندانه رفتار می‌کردند و از هیچ چیز مضایقه نمی‌کردند.[۲۳]

حجت‌الاســلام والمسلمین محمدحسن رحیمیان از اعضای بیت حضرت امام که سال‌ها در نجف ساکن بود و در این مراسم شرکت می‌کرده، می‌گوید:

به هنگام ظهر و مغرب، به هر نقطه که می‌رســیدی، حق عبور از آن‌جا را نداشتی؛ چون مالک و ســاکن نخلستان بر سر راه ایستاده بود و زائران را به ضیافت خویش فرا می‌خواند؛ گویی جاده خاکی کربلا را بخشــی از حریم خانه خود می‌دانســت و خارج شــدن میهمانان را در هنگام ظهر و شب، بدون صرف ناهار یا شام، ننگی بزرگ می‌پنداشــت و گاهی که قصد داشــتیم تا پاســی از شــب به راه خود ادامه دهیم، عربی روستایی جلو می‌آمد و اصرار می‌کرد و اگر نتیجه نمی‌گرفت، تهدید می‌کرد و با شدت و غضب، تفنگ خود را آماده شلیک می‌کرد؛ اما نه برای کشتن میهمانان، بلکه آن را به حاج آقا مصطفی می‌داد و می‌گفت: «اگر می‌خواهید بروید؛ بروید اما از روی نعش من!» نشانه بزرگی و بزرگواری این عرب‌ها، بزرگ‌تر بودن سالن پذیرایی‌شان بود. سالن پذیرایی یا «مضیف» از نِی و شاخه‌های خرما به صورت کانالی با ســقف مدوّر ساخته می‌شد و دو سوی آن باز بود و در برابر سرما و گرما کاملاً عایق بود و در تابستان با پاشیدن آب روی آن، هوای درون آن خنک می‌شد. معمولاً بزرگ خانواده یا عشیره با مهمانان می‌نشست و جوان‌ها پذیرایی می‌کردند و برای پذیرایی، بهترین چیزهای خود را در طبق اخلاص می‌گذاشــتند؛ گوسفند می‌کشــتند و سرشــیر گاومیش و ماست بر سر سفره می‌گذاشــتند و برای هر نفر کاســه‌ای روغن حیوانی می‌آوردند و خلاصه، گویی همه زندگی و امکانات آنان وقف امام حسین علیه‌السلام و زوار آن حضرت بود.[۲۴]

حجت‌الاســلام سید علی‌اکبر محتشــمی، یکی دیگر از شاهدان این صحنه‌های تاریخی در این‌باره می‌گوید:

در طول مسیر، روستاهای کوچک و بزرگی بود که مردمش به زراعت، باغداری، پرورش نخل خرما و دامداری اشــتغال داشــتند. نخلســتان‌ها، باغ‌ها و مزارع آنها به وســیله نهر فرات، مشــروب می‌شــد و بهره‌برداری از آب نهر فرات به وســیله «ناعور»۲۵، انجام می‌گرفت. هر روســتا یک مضیف (میهمان‌سرا) داشت کــه در طول ســال، به‌خصوص موســم زیارتی، هر کس از آن‌جا عبــور می‌کرد، در آن

مضیف از او پذیرایی می‌شـد. مضیف‌ها محوطه بزرگی به صورت مربع مستطیل هستند که دیواره و سقف آنها کاملاً از حصیر نخل خرما ساخته شده و وسط آن محوطه، یک اجاق هست که در زمستان‌ها با هیزم می‌سوزد و چای و قهوه را نیز در کنار آن اجاق تهیه می‌کنند. اطـراف این مضیف، فرش‌ها و مخدّه‌های عربی پهن شده است. روستاییان عراقی بسیار میهمان‌دوست هستند. آنان از زائرین امام حسـین علیه‌السلام در میان روز، با چای، قهوه، شیر و دوغ پذیرایی می‌کردند و به هنگام ظهر و شام نیز با ذبح گوسفند و طبخ غذا، از آنان به گرمی استقبال می‌کردند. آقای حلیمی سعی می‌کرد در وسط راه، خود خیمه برپا کند و به سَبک ایرانی، غذا تهیه کند؛ ولی در طول مسیر، بالاخره مواردی اتفاق می‌افتاد که بر اثر اصرار فوق‌العاده روستاییان، مجبور به پذیرش دعوت و اقامت در آن میهمان‌سرا می‌شدیم. قافله‌ها معمولاً این مسـیر را طی پنج تا شش روز می‌پیمودند؛ ولی افرادی که به صورت انفرادی حرکت می‌کردند، در مدتی کمتر از سه روز به کربلا می‌رسیدند.[۲۶]

مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید تقی درچه‌ای در این‌باره می‌گوید:

ارادت عراقی‌هـا به زائـران امام حسـین علیه‌السلام، قابل توجه و تقدیر اسـت. آنان به تمام زائران اباعبدالله علیه‌السلام عـرض ادب می‌کردند؛ تا جایی که بعضی‌ها مثلاً برای کاروانی از زائرین، گوسـفند قربانی کرده، آبگوشـت می‌پزند. من در این نوع سـفرها، صحنه‌های زیبایی از خلوص این مردم را دیدم. گاهی روسـتای آنها با جـاده چند کیلومتر فاصله دارد، اما با این حال، به کنار جاده می‌آیند و یک منبع یـا یک مشـک دوغ آن‌جا می‌گذارند و کنارش با نان و پنیر، از زائران پذیرایی می‌کنند. یا در مسیر راه، اسپند دود می‌کنند. گاهی هم زن‌های روستایی با وجود دوری راه، شیرینی نذری تهیه کرده، در میان کاروانیان توزیع و تقسیم می‌کنند؛ به‌ویژه قربانی کردن گوسفند در مقابل کاروانیان، بسیار مرسوم است. در یکی از این سـفرها، یک خانم و آقایی که با الاغ از مزرعه به کنار جاده آمده بودند، با اصرار زیاد ما را به منزل خود بردند که زندگی فقیرانه‌ای داشتند و با این‌که هوا سـرد بود، اتاق خود را در اختیار ما گذاشـتند. ما هم بدون این‌که متوجه شویم، شـب را خوابیدیم و فردا صبح که بلند شـدیم و هوا روشـن شد، متوجه شدیم که آن پیرزن و پیرمرد در گوشـه‌ای از حیاط در سـرما و سـوز، شب را به صبح رسانده‌اند و معلوم شد که آنها تنها اتاق خود را در اختیار ما گذاشتند.[۲۷]

سخن پایانی

با همه فشارها و قتل‌عام‌هایی که در زمان رژیم بعثی عراق نسبت به زائران اربعین حسینی انجام گرفت، هرگز نتوانست مانع این مراسم پیاده‌روی شود و هر سال که گذشت، بر شعاع و عمق این مراسم افزوده شد. امروز که شاهد سرنگونی رژیم صدام هستیم و مردم عراق دوران استقلال و آزادی خود را تجربه می‌کند، روزبه‌روز شاهد رشد، شکوفایی و بالندگی هر چه بیشتر مراسم پیاده‌روی اربعین به سوی کربلا هستیم.

به گزارش دفتر رسانه‌ای حرم مقدس کربلا، در اربعین سال گذشته (دی ماه ۱۳۹۲) زائران حسینی که اغلب آنان با پای پیاده به کربلا آمده بودند، نزدیک به بیست‌میلیون و هفتصد هزار نفر بودند و شمار زیادی از مردم بصره، مسافت ششصد کیلومتری این شهر با کربلا را پیاده طی کرده بودند. البته حضور پرشور و میلیونی مردم ایران نیز ستودنی بود. جالب این‌که پذیرایی این جمعیت، توسط مردم عراق و به صورت سنتی و در همان چادرهای محلی (مضیف) انجام گرفت. این در حالی است که مراسم سالانه حج تمتع در مکه، حداکثر با حضور سه میلیون نفر برگزار می‌شود.

ارادت عراقی‌ها به زائران امام حسین علیه‌السلام قابل توجه و تقدیر است. آنان به تمام زائران اباعبدالله علیه‌السلام عرض ادب می‌کردند؛ تا جایی که بعضی‌ها مثلاً برای کاروانی از زائرین، گوسفند قربانی کرده، آبگوشت می‌پزند.

به گزارش دفتر رسانه‌ای حرم مقدس کربلا، در اربعین سال گذشته (دی ماه ۱۳۹۲) زائران حسینی که اغلب آنان با پای پیاده به کربلا آمده بودند، نزدیک به بیست‌میلیون و هفتصد هزار نفر بودند و شمار زیادی از مردم بصره، مسافت ششصد کیلومتری این شهر با کربلا را پیاده طی کرده بودند.

پی‌نوشت‌ها

۱. میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه کریم فیضی، صفحه ۸۵.
۲. سایت تابناک، ۲۹ آذر ۱۳۹۲.
۳. سایت شفقنا.
۴. سایت آیت‌الله سیستانی، قسمت پرسش و پاسخ.
۵. سایت شفقنا.

۶. سایت شیعه‌نیوز.
۷.جواد محدثی ،فرهنگ زیارت، ص ۲۵۰.
۸. آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج۱، ص۳۴۹؛ رضا مختاری، سیمای فرزانگان، ص۱۹۳.
۹. سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج۱۰، ص۳۵۹.
۱۰. خاطرات آیت‌الله ملکوتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۱۷۴.
۱۱. «چفل» یا همان ذوالکفل، نام یکی از پیامبران است که در این مکان دفن شده و مردم منطقه به آن چفل می‌گویند.
۱۲. خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.
۱۳. همان، ص۱۷۵.
۱۴. بقره، آیه ۱۵۸.
۱۵. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالخالق دشتی، یکی از روحانیون سرشناس و از بزرگان شهر گناوه.
۱۶. محمدحسن رحیمیان، حدیث رویش، ص ۱۴۹.
۱۷.پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت.
۱۸. خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی، ص۱۲۳ و۱۸۳.
۱۹. در وادی عشق، خاطرات حجت‌الاسلام سیدتقی درچه‌ای، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۱۸۵.
۲۰. علامه امینی، جرعه نوش غدیر، ص ۴۰.
۲۱. عبدالرحیم اباذری، امام موسی صدر امید محرمان، ص۱۷۸ـ۱۷۶.
۲۲. سایت شیعه نیوز، کد خبر۴۹۹۷۹.
۲۳. خاطرات آیت‌الله مسلم ملکوتی، ص ۱۷۵.
۲۴. حدیث رویش، ص۱۴۹.
۲۵. «ناعور» یک دستگاه آب‌کشی است که به صورت چرخ و فلک داخل آب قرار می‌گیرد و به اطراف آن سطل‌های متحرکی متصل است.
۲۶.خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۲۴.
۲۷. در وادی عشق، همان.